

به نام خدا

جرم شناسی

(مفاهیم کلیدی)

مارتین امیرا و مجید یار

برگردان:

دکتر سید محمود میرخلیلی

دانشیار دانشگاه تهران

جلال الدین حسانی

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه

سرشناسه	: اوبراین، مارتین، ۱۹۵۷ - م. O'Brien, Martin
عنوان و نام پدیدآور	: جرم‌شناسی (مفاهیم کلیدی) // مارتین اوبراین، مجید یار؛ برگردان سید محمود میرخلیلی، جلال‌الدین حسانی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۸ص.
شابک	: 978-600-323-038-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: Criminology : the key concepts : عنوان اصلی:
موضوع	: جرم‌شناسی
شناسه افزوده	: یار، مجید
شناسه افزوده	: Majid , Yar
شناسه افزوده	: حسانی، جلال‌الدین، ۱۳۶۳ -، مترجم
شناسه افزوده	: میرخلیلی، سید محمود، ۱۳۵۰ -، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴۶۰۳۵HV ج۴/۹الف/
رده بندی دیویی	: ۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۹۲۵۰۰



انتشارات بهنامی

خیابان انقلاب، ابتدای خیابان اردشهرشت (منیری جاوید)، پلاک ۸۶، تلفن ۶۶۴۰۹۹۲۳

جرم‌شناسی

(مفاهیم کلیدی)

مارتین اوبراین - مترجم

دکتر سید محمود میرخلیلی

جلال‌الدین حسانی

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی مهران نگار

چاپ پیام

صحافی نوین

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۳-۰۳۸-۵

ISBN: 978-600-323-038-5

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجمان
۹	مقدمه
۱۱	جرم شناسی چیست ؟
۱۲	مفهوم چیست ؟
۱۴	جرم چیست ؟
۱۹	درباره این کتاب
۲۳	عدالت آماری
۲۴	جرم شناسی اداری
۲۷	از خود بیگانگی
۲۸	رفتار ضد اجتماعی
۳۰	جرم شناسی زیستی
۳۶	جرم شناسی مکتب شیکاگو
۴۰	طبقه
۴۱	جرم شناسی کلاسیک
۴۵	جامعه
۴۶	پیشگیری از جرم و سلامت جامعه
۴۷	محکومیت های اجتماعی و مجازات های اجتماعی
۴۸	جرم شناسی ساختاری
۵۳	جرم شرکتی
۵۷	جرم و انحراف
۵۸	داده های جرم
۶۲	نقشه برداری جرم
۶۲	حرفه مجرمانه
۶۶	نظام عدالت کیفری

۶۷	روان‌شناسی جنایی
۶۸	جرم‌شناسی انتقادی
۷۴	جرم‌شناسی فرهنگی
۸۱	انتقال فرهنگی
۸۲	جرایم مجازی
۸۶	جرم‌شناسی رشد
۸۹	توانمند شدن انحراف
۹۰	معاشرت‌های افترقی (ترجیحی)
۹۱	گفت‌وگو
۹۲	جرایم مواد مخدر
۹۵	جرم‌شناسی دور
۱۰۱	جرم محیطی
۱۰۶	جرم‌شناسی محیطی
۱۱۲	جرم خانوادگی
۱۱۳	فمینیسم و جرم‌شناسی
۱۲۰	گروه‌های مجرمانه
۱۲۱	جنسیت
۱۲۲	حاکمیت و حکومت
۱۲۴	جرم‌شناسی سبز
۱۲۸	جرایم مبتنی بر نفرت
۱۳۱	لذت‌گرایی
۱۳۲	برتری
۱۳۳	هم‌نوع‌ترسی
۱۳۴	حقوق بشر
۱۳۶	آرمان‌گرایی
۱۳۷	هویت

۱۳۸	ایدئولوژی
۱۳۹	جرایم علیه مالکیت معنوی
۱۴۱	عدالت
۱۴۲	دیدگاه‌های برجسته‌ری
۱۴۶	جرم‌شناسی مارکسیستی
۱۵۱	رسانه‌های گروهی
۱۵۳	هراس از اقلیتی
۱۵۵	گسترش شبکه کنترل جرم
۱۵۷	رسانه‌های نوین
۱۵۸	هنجارها
۱۵۹	اعمال قبیحه و هرزه‌گری
۱۵۹	جرم سازمان یافته
۱۶۴	جرم‌شناسی صلح‌گرا
۱۶۷	حفظ نظم و پلیس
۱۷۲	جرم‌شناسی اثباتی
۱۷۶	بست مدرنیسم
۱۷۷	زندان و حبس
۱۸۰	جرایم علیه اموال
۱۸۱	مجازات
۱۸۳	نژاد پرستی
۱۸۴	انتخاب عقلانی
۱۸۴	واقع‌گرایی
۱۸۵	عدالت ترمیمی
۱۸۹	خطر
۱۹۱	نظریات فعالیت روزانه
۱۹۲	جرایم جنسی

پیشگفتار مترجمان

بزه‌کاری همواره یکی از دغدغه‌های مهم بشر در زندگی اجتماعی بوده و بشریت از آغازین دوران زندگی خود در مبارزه با آن بوده است. طی دو سده اخیر رویکرد به جرم، بزه‌کار و امنیت جامعه تفاوت‌های اساسی یافته و جوامع به دنبال یافتن راهبردهای علمی در جهت رویارویی با بزه‌کاری به عنوان یک پدیده هستند. در کشور ما رویکرد سنتی، مجازات‌گرایانه و سرکوب‌گر همچنان چیره است. با آن‌که در آموزه‌های اسلامی حرمت انسان، شوق به بندگان خدا ولو گناه‌کار، توجه به کرامت ذاتی انسان و استفاده از مجازات به عنوان آخرین راه،^۱ گفت‌وگو غالب است و سیاست جنایی اسلام در آموزه‌ها و همچنین در عمل در دوران حکمت‌یامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علی علیه السلام بر این مبانی استوار بوده، ولی در سیاست جنایی ایران حتی بعد از انقلاب اسلامی به دلیل ضعف مطالعات علمی از منابع اسدیمی این گفت‌وگو به گفت‌وگویی غالب تبدیل نشده و همچنان گفت‌وگو مجازات و ارباب چیرگی داشته است. تردیدی نیست که جامعه ما باید به سمت مطالعات علمی و مبارزه حساب‌شده و با چشمان باز با پدیده بزه‌کاری حرکت و از این برخورد کورکورانه و بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن خودداری کند. حجم گسترده اعدام، حبس و دیگر مجازات‌ها نوشداروی حل معمای بزه‌کاری نیست. باید به این باور رسید که به رسمیت شناختن کرامت انسان‌ها و عزت و شخصیت آنان می‌تواند معضل بزه‌کاری را سامان دهد و مجازات تنها ضمانت اجراست نه همه راه حل. برای نهایی کردن این مهم در جامعه لازم است افزون بر مطالعه عمیق آموزه‌های اسلامی، به آثار ارزشمند و تلاش‌های علمی و مجرب دانشمندان در سایر کشورها نیز توجه و بهره‌برداری لازم را در این زمینه داشته باشیم. کتاب «جرم‌شناسی (مفاهیم کلیدی)» اثر جرم‌شناسان محترم- مارتین ایرین و مجید یار- یکی از این آثار ناب است که نظریه‌ها و مکاتب مختلف جرم‌شناسی را تبیین نموده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب این است که شمار گسترده‌ای از نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی را در حجمی مختصر تبیین نموده و برای دانشجویان به‌ویژه در مقاطع ارشد و

دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی جهت آشنایی با دیدگاه‌ها، مکاتب و اصطلاحات این رشته بسیار مطلوب و مناسب است.

در پایان لازم است از همه دوستانی که ما را در برگردان این اثر علمی یاری نمودند از جمله خانم‌ها سمیه اسدی ساغندی، شهناز اسدی‌نیا و آقایان حمید جلالی، هادی عباس زاده، علیرضا روحانی و دکتر علیرضا درویش کمال قدردانی و سپاس را داشته باشیم. امید است این اثر گام کوچکی در راستای اعتلای دانش جرم‌شناسی و تدوین یک سیاست جنایی کارآمد و اثرگذار مبنی بر مبانی علمی در کشور عزیزمان باشد. انشاءالله

سید محمود میر خلیلی

جلال الدین حسانی

مهرماه ۱۳۹۴

در طی دوره تغییر گسترده و گسترش آموزش عالی در بریتانیا، رشد برنامه‌های دانشگاهی در حوزه جرم‌شناسی، یک ویژگی قابل توجه به‌شمار می‌آید. امروزه از لندن تا لوتیان، سالفورد تا سوانسی و بیرمنگام تا بلفاست به‌ندرت یک مرکز آموزش عالی وجود دارد که متبعی را در زمینه جرم‌شناسی و عدالت کیفری ارائه نکند. برای کسانی که به مطالعه رسمی در این حوزه علاقه‌مند هستند، گزینه‌های زیادی وجود دارد. این تصویر با آنچه که حدود یک نسل پیش بوده، بسیار متفاوت است.

پیش از این، مقطع کارشناسی در رشته جرم‌شناسی به یک یا دو دانشگاه محدود شده بود و تنها تعداد محدودی از مؤسسات، رشته‌های مرتبط با جرم را در مقطع کارشناسی ارائه می‌کردند. مطالعه علم و اجتماعی جرم در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، سیاست اجتماعی، مددکاری اجتماعی، روانشناسی، حقوق پراکنده بود. به دانشجویان نیز گاه به گاه واحدهایی در زمینه جامعه‌شناسی جرم، سیاست عدالت کیفری یا مددکاری اجتماعی برای بزه‌کاران، ارائه می‌شد که به عنوان بخشی از رشته‌ای مشخص می‌آمد که هدف اصلی آن، فراهم کردن آموزش گسترده و نظم‌محور بوده است.

در حال حاضر جرم تبدیل به یک برنامه دانشگاهی عرفاً مدرک‌گرا شده است، به جای این که آن را به عنوان بخشی از رشته‌ای دیگر مطالعه کنند. از همین رو، دانشجویان می‌توانند خود را وقف مطالعه این موضوع از دریچه‌های دیگر رشته، که افرادی که امروزه جرم‌شناسی تدریس می‌کنند، خود نمایان‌گر این تفاوت هستند. در موضوع جرم از پس زمینه‌های رشته‌های دانشگاهی می‌پردازند که بیشتر شامل جرم‌شناسی-همانند نویسندگان این کتاب-، سیاست اجتماعی، روان‌شناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی است. هر یک از آنان از دیدگاه متفاوتی به جرم و مشکلات مربوطه می‌پردازند و روش مشخصی برای بررسی، توضیح و فهم آن دارند. این موضوع تا جایی که دانشجویان را در معرض راه‌های مختلفی که مسائل جرم محور را درک و تحلیل کنند، خوب است.

برای نمونه، احتمالاً یک روانشناس گونه مشخصی از جرم را به روش خاصی توضیح می‌دهد و بر فرآیندهای شناختی و یا توسعه‌ای تمرکز می‌کند که ممکن است به توجیه اقدامات فرد کمک کند. در مقابل یک جامعه‌شناس به احتمال زیاد پدیده یکسانی را در بافت هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، روابط فرد با گروه‌های اجتماعی یا کارکردهای قدرت، محرومیت و شرایط نامساعد در جامعه با مقیاس بزرگ بررسی می‌نماید. یک تاریخ‌دان ممکن است روش دیگری را در پیش گیرد و با ارجاع به گذشته، درصدد فهم آنچه است که در زمان کنونی روی می‌دهد و ریشه‌های رخدادها و چالش‌های کنونی را در پرتو توسعه‌های بلندمدت که ممکن است دهه‌ها یا حتی سده‌ها پیش آغاز شده باشد، می‌نگرد. البته این‌ها مسائل ساده‌ای هستند. اما به باروری جرم‌شناسی، مجموعه مباحث و نزاع‌ها و ویژگی تغییرپذیری دیدگاه‌های متفاوت اشاره دارد که بر موضوع خاصی از مطالعه متمرکز هستند. با این وجود، تنوعی که پیش از این به آن اشاره شد، یکی از چالش‌های فراوری دانشجویان جرم‌شناسی را نشان می‌دهد: تنوع این که آنها مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای دیدگاه‌های گوناگون مربوط به رشته‌ها را درک کنند. همچنین، این چالش‌ها افرادی از ما را که جرم‌شناسی تدریس می‌کنند، می‌آزماید زیرا ما نیز بریم از «حیات خلوت» رشته‌مان خارج شده و خود را با بینش‌ها و استدلالات پدیدآمده در جاهای دیگر، آشنا سازیم.

در حالی که امروزه اشتیاق دانشجویان جرم‌شناسی بسیار زیاد است، اقدامات کمی راجع به مطالعه رشته‌ای به همراه چیزی بیش از درکی مبهم درباره «خرد»ی که این رشته در بر می‌گیرد و بدون مفهومی کامل از این که جرم جالب، مهم و دارای ارزش است، وجود دارد. در حقیقت بعضی از دانشجویان فعالیت دانشگاهی خود را با این فضا آغاز می‌کنند که آنچه آنها سه یا چهار سال از تحصیلشان را در آن سپری می‌کنند، ممکن است بی‌فایده یا گاهی اوقات نیز غیردقیق باشد. بی‌گمان این برداشت‌های اشتباه به دلیل گفتگوهای روزمره پیرامون جرم شکل گرفته است. دانشجویان همانند هر کس دیگر در معرض پوشش رسانه‌ای گسترده راجع به جرم قرار می‌گیرند که بیشتر با گونه‌های محدودی از جرایم مانند قتل، تروریسم، بهره‌کشی جنسی از کودکان و آدم‌ربایی سروکار دارد. - ما باید تنها پوشش‌های صورت گرفته در ارتباط با قتل‌های سوهام، جرایم دکتر هارولد شیمین یا ناپدید شدن مدلین مک‌کان را در نظر بگیریم تا متوجه شویم که اخبار در صدد تمرکز بر چه مسائلی

هستند. - افزون بر این، رخداد‌های واقعی با انبوهی از داستان‌های مربوط به جرم در تلویزیون و فیلم همراه می‌شود. برنامه‌هایی مانند ارواح، شاهد کشنده، مرده متحرک، صورت حساب، ترقه، سیمی در خون، CSI (لاس وگاس، میامی و نیویورک)، ذهن‌های مجرم، ردپا، ۲۴، صداهای بلند، استخوان‌ها و فرار از زندان، همگی فرضیاتی را درباره چالش جرم به آگاهی می‌رسانند. این که چه جرایمی روی داده، چه کسی و چرا مرتکب آنها شده است و چگونه محاکمه و مجازات می‌شوند؟

در - الی که درباره ارزش سرگرمی چنین برنامه‌هایی اختلافی وجود ندارد - جرم‌شناسان مانند هر کس دیگری به این برنامه‌ها علاقه دارند - با این حال در صدد طراحی تصویر گمراه‌کننده‌ای از تعجب جرم در جامعه ما هستند. شاید هر استاد جرم‌شناسی با دانشجوی بسیار مشتاقی مواجه شده باشد که علاقه فراوانی به چگونگی شناسایی قاتلین زنجیره‌ای و تجزیه و تحلیل لک‌دون‌های دستگیری مجرمین دارد. در این هنگام باید به آرامی گفته شود که اگرچه این رسالت‌ها مهم هستند اما آنها تنها بخش بسیار کوچکی از چیزی هستند که جرم‌شناسی به شمار می‌آید و هنوز برای دراز برای حرکت از انتظارات اولیه به سوی ایستگاه پایانی وجود دارد. در حقیقت، دانش جرم‌شناسی به سرعت می‌آموزند که شناسایی بزه‌کاران به آسانی آنچه رسانه‌ها نشان می‌دهند نیست. کسانی که به فراتر از ناامیدی‌های آغازین حرکت می‌کنند، می‌توانند انتظار داشته باشند که راجع به جهانی بیاموزند که در آن جرم از آنچه تاکنون تصور شده است، پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر است.

جرم‌شناسی چیست ؟

جرم‌شناسی دقیقاً چه مسائلی را بررسی می‌کند؟ پاسخ به این پرسش به دلایل گوناگون دشوار است. اولاً - همان گونه که بیان شد - جرم‌شناسی شامل دیدگاه‌های مختلفی است و هواداران آنها اغلب، درباره کارکرد دقیق جرم‌شناسی توافق ندارند. آیا - این کارکرد - شرح دلیل انتخاب ارتکاب جرم توسط افراد است؟ آیا فهم شرایط اجتماعی که منجر به مشکلات مربوط به جرم می‌شود است؟ آیا بررسی فهم واژه جرم در جوامع گوناگون در زمان‌های مختلف است؟ آیا اثبات این است که چگونه جرایم متعارف الگوهای قدرت و تعصب را

بازتاب می‌دهند؟ آیا آشکار کردن حس بزه‌دیده بودن است؟ آیا مطالعه چگونگی واکنش جوامع به بزه‌کاران و شیوه‌های سزادهی آنها به خاطر خطاهای در نظر گرفته شده است؟ آیا شرح دلیل عبارت معروف «بولدارها بولداتر می‌شوند و فقیران زندانی می‌شوند» است؟ آیا یافتن راهکارهای عملی برای پیشگیری از ارتکاب جرم در مرحله اولیه است؟ آیا یافتن راه‌های اعاده حیثیت بزه‌کاران و بازداشتن آنها از تکرار جرایم گذشته است؟ آیا حفظ سازمان‌های مسئول حمایت از ما-مانند پلیس-است؟ آیا پرسش این است که چرا اقدامات خطرناک منحصی تابع مجازات و ممنوعیت جزایی است، در حالی که دیگر اقدامات بی‌خطر در معرض قانین قرار می‌گیرند؟ پاسخ ساده و بی‌باکانه این است که جرم‌شناسی راجع به همه این موضوعات و موارد دیگر است.

به خاطر این تنوع گسترده پرسش‌ها، دیدگاه‌ها و علایق، برخی پیشنهاد کرده‌اند که جرم‌شناسی به هیچ وجه شاخه‌ای دانشگاهی نیست. برخلاف اقتصاددانان، تاریخ‌دانان یا روان‌شناسان، جرم‌شناسان یک دستور کار ذهنی منحصر به فرد و تعیین‌کننده در ارتباط با پرسش راجع به جهان ندارند. چیزی که جرم‌شناسی را تعریف می‌کند بیشتر موضوعاتش است تا رویکردش به موضوعات. بنابراین جرم‌شناس واقعاً یک حوزه مطالعاتی است یا همان‌طور که پاول راک (۱۹۸۶) به‌طور مشهوری بیان داشته است: «مباحثه‌ای است که رشته‌های مختلف با یکدیگر پیرامون موضوع جرم برخورد می‌کنند.» همان‌طور که خواهیم دید، این پاسخ به آن سادگی که در آغاز به نظر می‌رسید، نیست. در عمل، جرم‌شناسی یک چارچوب چندرشته‌ای است که کانون آن توسط پرسش‌هایی مربوط به جرم و عدالت شکل گرفته است.

مفهوم چیست؟

در کلی‌ترین عبارات، مفهوم، یک ایده یا تصور درباره چیزی در جهان است. بنابراین برای نمونه، واژه ماشین به ایده‌ای از چرخ‌ها، موتور، صندلی‌ها و سوخت اشاره دارد که همگی برای فراهم آوردن وسیله نقلیه با هم آمیخته شده‌اند: در اینجا واژه ماشین بین بزرگ یا کوچک، سه یا چهار چرخه بودن، استفاده مسابقه‌ای یا حمل و نقلی و ... تفاوتی قائل نمی‌شود. به سادگی، به ویژگی‌های مشترک رایج یا کلی چیزها در جهان با بردن نام ماشین اشاره

می‌کند. در علوم اجتماعی - که جرم‌شناسی را نیز فرا می‌گیرد - یک مفهوم تنها ایده‌ای مبهم راجع به چیزها به صورت کلی نیست - و این گونه نیز نباید باشد - در عوض، یک مفهوم سه بعد دارد: توصیفی، تحلیلی و نظری.

یک مفهوم تا جایی که گروهی کامل از پدیده‌ها را فراگیرد، توصیفی است: برای نمونه، مفهوم استدلال ممکن است شامل همه انواع مخالفت‌ها یا منازعه‌های نمادین - شفاهی یا کتبی - و همه گونه‌های باورها یا نظرات بیان شده به شکل منطقی باشد. اما از همه مهم‌تر این که بعد توصیفی یک مفهوم بیشتر توسط آنچه مستثنی می‌کند یا در بر می‌گیرد، است. بنابراین، یک استدلال یک خطبه نیست - ما از دومی برای سخنرانی به صورت کتبی یا شفاهی استفاده می‌کنیم اغلب مدعیان می‌کنند که شامل موعظه یا دستور است. به گونه‌ای مشابه، یک استدلال به تعارض فیریک میان افراد که با اشیاء نیز درگیر هستند نسبت داده نمی‌شود: حتی اگر این طور هم به نظر برسد، چنین تعارضی بیش‌تر یک جنگ یا نمونه‌ای از مبارزه است. نکته این است که مفاهیم ما را قادر می‌سازد که تفاوت‌های ظریف میان چیزهای موجود در جهان را با بیان ویژگی‌هایشان بدون توجه به آنکه به آن اشاره می‌کنند، مشخص کنیم. اگر در گفتار روزمره، مفاهیم را دقیق به کار نبریم پس اهمیتی ندارد و شگفت‌آور نیست که بشنوم دو نفر جدال لفظی می‌کنند. بنابراین به مفهوم جدا اشاره می‌کنیم تا یک استدلال. اما در جرم‌شناسی مهم است که از این نوع لغزش به خاطر بعد دوم مفاهیم علوم اجتماعی - بعد تحلیلی - دوری کنیم: یک مفهوم تا جایی تحلیلی است که ما را قادر می‌سازد چیزی را سنجش کنیم یا رابطه میان دو یا چند چیز را در جهان به دست آوریم. بنابراین مفهوم تحرک اجتماعی پژوهش‌گران را قادر می‌سازد تا تغییرات درآمد، سبک زندگی و وضعیت دوره زندگی و/یا گذار نسل‌ها را بررسی کنند و نشان دهند آیا یک جامعه توسط تحرک رو به پایین یا رو به بالا یا انعطاف ناپذیری و تقسیمات بدون تغییر توصیف شده است یا نه. توجه کنید که تحرک اجتماعی به درآمد، سبک زندگی یا موقعیتی اشاره نمی‌کند، بلکه به تغییر آنها توجه می‌کند. در این راستا، مفهوم تحرک اجتماعی به طور ذاتی نظریه‌ای است که بیان می‌دارد به چه چیزی تعلق دارد و تنها در مجموعه‌ای از مفاهیم که باهم یک چارچوب منطقی ایجاد می‌کند، معنا می‌یابد.

تحرک اجتماعی در حقیقت تنها در نظریه تقسیم اجتماعی معنا پیدا می‌کند که به طور گسترده گروه‌های متفاوت را از نظر درآمد، سبک زندگی و وضعیت سازمان‌دهی می‌کند. این تقسیم‌ها ممکن است به روش‌های مختلفی فهمیده شود: همانند تفاوت‌های طبقه اجتماعی - همانند رویکردهای اقتصادی سیاسی کلاسیک - تفاوت‌های گروه بندی اجتماعی - اقتصادی - همانند رویکرد ثبت کل - با وضعیت افتراقی یا تفاوت‌های موجود در شانس‌های زندگی - نظر ماکس وبر - در این صورت، یک مفهوم تنها تصویری مبهم راجع به اشیا در جهان نیست: توصیفی از دنیای پدید آمده‌ها ایجاد می‌کند که برای تحلیل روابط جهانی آنها در چارچوب نظری به کار می‌رود. که به دنبال توصیف آن روابط است.

بر پایه تجربه ما، هر گاهی که دانشجویان با مفاهیمی برخورد می‌کنند، به ندرت آنها را به خیا پردازش پیوند می‌دهند. هنوز یادگیری راجع به چگونگی استفاده مؤثر مفاهیم - چگونگی کار با آنها - پایه ادراک تحلیلی است. بیان خلافاً این که مشکلات کلیدی جرم چه چیزهایی هستند، چگونه ارزیابی شده و چرا رخ می‌دهند، سه رسالت اصلی و به هم پیوسته پژوهش جرم شناختی است. گسترش اطمینان در کاربرد مفاهیم جرم شناسانه، نه تنها چشم اندازی را برای فهم جرم و کنترل آن در حال حاضر فراهم می‌کند، بلکه به تحقیق نقادانه راجع به جرم و کنترل نیز می‌پردازد: تصور دنیایی که متفاوت از حال باشد ترتیب و تنظیم غیرقابل پیش بینی چیزها و مهم‌تر از همه، گام‌هایی که باید برای رسیدن به آنجا برداریم.

جرم چیست؟

بحث ما راجع به ابعاد مختلف یک مفهوم ممکن است به نظر پیهوده برسد، اما اهمیت آن زمانی که معنای مفهوم جرم را تعیین می‌کنیم، آشکار می‌شود. موضوع جرم‌شناسی - جرم - با موضوعات دیگر رشته‌های دانشگاهی تفاوت دارد. برای توضیح بیشتر، اجازه دهید زیست‌شناسی را در نظر بگیریم. موضوع زیست‌شناسی - همان چیزی که زیست‌شناسان مورد بررسی قرار می‌دهند (ارگانیسم‌های زنده و روندهایی که آنها را حفظ می‌کند) - وجود عینی دارد و برای میلیون‌ها سال انجام شده است. زیست‌شناسان از راه مشاهدات دقیق، تجربه و تحلیل، درک بهتری از چگونگی کارکرد زندگی برای ما فراهم می‌کنند. - اثر کار داروین را

در نظر بگیرید و روشی که با آن به فهم بهتر پیدایش انواع و تکامل آن در طی زمان کمک کرده است. - با این وجود، روندهای زیست‌شناسی برای وجود خود به انسان‌ها وابسته نیستند - آنها پیش از این که به این صحنه برسیم در حال رخ دادن بودند و به این کار برای مدت طولانی بعد از اینکه انواع ما به فسیل تبدیل شوند ادامه می‌دهند. -

از سوی دیگر، جرم پدیده متفاوت‌تری است. جرم در خارج از تعاریف ما از آن وجود ندارد. ما - به عنوان جوامع - تصمیم می‌گیریم چه کارهایی جرم محسوب شوند. یکی از بزرگ‌ترین بینش‌های به دست آمده توسط تاریخ و انسان‌شناسی این است که جرم چیزی است که همیشه در حال تغییر است و در جوامع گوناگون، در زمان‌های مختلف مصداق‌های جرم با هم فرق می‌کند چیزی که در گذشته در نظر اعضای جامعه جرم به شمار می‌آمده ممکن است امروزه امری عادی و پذیرش یافته باشد. برای نمونه، همجنس‌گرایی را در نظر بگیرید.

در گذشته در بعضی از جوامع داشتن رابطه جنسی با هم‌جنسان با نفرت گسترده، محکومیت و مجازات خشن روبه‌رو می‌شد. - یکی از محبوب‌ترین نمایشنامه‌نویسان، اسکار وایلد، به خاطر کار ناشایست در سال ۱۹۰۵ به دو سال کار اجباری محکوم شد. - تا این که در سال ۱۹۷۴ تشخیص و نظام‌نامه آماری ناهنجاری روانی روحی انجمن روان‌شناسی آمریکا، هم‌جنس‌گرایی را به عنوان یک ناهنجاری روانی تعریف کرده بود. اما امروزه هر دو جامعه آمریکا و بریتانیا، هم‌جنس‌گرایی را از فهرست مجازات تنبیهی و بدنامی رسمی حذف کرده‌اند و چنین روابطی به طور گسترده، به عنوان بخشی از رفتارهای انفرادی در نظر گرفته می‌شود. در مقابل، هم‌جنس‌بازی در دیگر جوامع هنوز یک جرم محسوب می‌آید. برای نمونه، در ایران یک جرم مستوجب اعدام است و در سال ۲۰۰۵ دو نوجوان پسر به خاطر داشتن نزدیکی هم‌جنس‌بازانه اعدام شدند. به همان اندازه، نوعی از رفتار که در گذشته به عنوان جرم دسته‌بندی شده بود، ممکن است امروز نیز جرم محسوب و متعاقب با آن رفتار شود. برای نمونه، در دوره خاصی از تاریخ مدرن ما، خشونت‌های علیه زنان و کودکان در خانه توسط مردان اعمال می‌شد، به عنوان حقی برای آنها در نظر گرفته می‌شده است تا افرادی را که تابع قدرت بی حد و حصر وی هستند، نآدیب کند. پلیس، دادگاه‌ها، قانون‌گذاران و

اعضای جامعه علاقه کمی به چنین سوءاستفاده‌هایی داشتند و آنها را در مفاهیم توافقی جرم قرار نمی‌دادند. اما در سده بیستم، مبارزات صورت گرفته - مهم‌تر از همه، توسط فمینیست‌ها و فعالان حقوق زنان - در تعریف دوباره چنین اعمالی به عنوان آسیب‌های خشونت‌آمیز، موفق شدند که به درستی تحت قوانین جزایی و مجازات مربوطه قرار دهند. البته احتمال دارد گاهی اوقات رفتارهایی را مشاهده کنیم که به آرامی جرم‌انگاری می‌شوند. برای نمونه، در طول سده‌ها استفاده از تباکو و دیگر مواد - یک مسئله کاملاً شخصی در نظر گرفته می‌شده است. بدتر از همه این که در دوره‌های ویکتوریا و ادوارد، ناهنجاری برای اصلاح شخص به ویژه برای زنان - که در حال استعمال در خیابان بودند، در نظر گرفته می‌شد. امروزه در بسیاری از کشورهای غربی سگ‌راندن در مکان‌های عمومی ممنوع شده است - حتی در ماشین‌های باری و تاکسی‌ها - و انصراف این ممنوعیت منجر به پرداخت جریمه شده و عدم پرداخت آن ممکن است به تشکیل روبراه‌ها در دادگاه‌های جزایی بیانجامد. نتایج آن استعمال آشکار دخانیات در خیابان است! همه موارد بالا برای توضیح این نقطه کانونی به کار می‌رود که موضوع جرم‌شناسی ثابت نیست و نه‌تنها این‌ها مربوط به نظم باید یا جنبش‌های گسترده احساسات اجتماعی و قوانین رسمی تغییر کرده‌اند.

تصور بالا زمانی که درمی‌یابیم جرم به شدت یک زمینه مسابقه محاسبه می‌شود، پیچیده‌تر می‌شود. تعاریف جرم و جنایت به‌ندرت موضوع قضات بدوی و جداگانه هستند. جرم به‌ناچار یک موضوع اخلاقی است و هر بحثی شامل آنچه ما درست، ملط، مناسب و نامناسب، شایسته و ناشایسته، مضر و بی‌خطر می‌دانیم، است. افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف ممکن است دیدگاه‌های بسیار متفاوتی راجع به آنچه مجرمانه است - یا باید باشد - داشته باشند و لاجرم، هنگامی که درصدد پیروی از دیگران حول دیدگاه‌های خودسان هستند، دچار تعارض می‌شوند. افزون بر این، جرم‌شناسان دانشگاهی از این ملاحظات مستثنی نیستند و مباحثات زیادی راجع به انواع فعالیت‌هایی که باید مورد توجه جرم‌شناسانه قرار گیرد، وجود دارد. یکی از نمونه‌های کنونی را در نظر بگیرید. برای نمونه، آیا تغییرات آب و هوایی به خاطر فعالیت‌های انسانی یک جرم است؟ در نهایت، پذیرش گسترده‌ای وجود دارد که این تغییرات، اموال و جوامع را تخریب می‌کند - برای نمونه، از راه سیل یا ایجاد بیابان، یا رخدادهای آب و هوایی شدید - که منجر به مرگ هزاران نفر می‌شود - از طریق گرسنگی

شدید، سرطان پوست و دیگر تهدیدهای شخصی نسبت به زندگی - و به صورت غیر مستقیم تهدیداتی برای امنیت ایجاد می‌کند. - برای نمونه، از راه نزاع مدنی بر سر منابعی که در حال به پایان رسیدن هستند - اگر تغییرات آب و هوایی به‌خاطر فعالیت‌های انسانی در حال حاضر جرم محسوب نشود، آیا باید توجهمان را به انجام این کار - جرم‌انگاری - معطوف کنیم؟ کسانی که پاسخشان منفی است، اذعان می‌کنند که فرآیند جهانی ناشی از فعالیت‌های عادی و مداوم میلیاردها انسان است که نمی‌توان آن را همانند خثونت میان - فردی، یا دزدی یا سرقت با عنف با تجاوز در نظر گرفت. آنهایی که می‌خواهند فعالیت‌هایی را که منجر به تغییرات آب و هوا می‌شود به عنوان جرم شناسایی کنند، بیان می‌دارند که پیامدهای بسیار ویران‌کننده‌ای که بر جهان ما دارد باعث رنج‌های گسترده از طریق قحطی، سیل و خشکسالی می‌شود. آیا نژد کسانی را که عمداً از پذیرش مسئولیت پیامدهای اعمالشان خودداری می‌کنند، مجبور به این کار کرد؟ اگر چنین باشد، آن‌گاه دقیقاً چه کسی بزه‌کار است؟ شرکت‌های نفتی؟ کسانی که اتومبیل‌های - پرمصرف - گازوئیلی؟ با وجود این که به مصرف‌کنندگانی که تصمیم می‌گیرند وسیله نقلیه‌ای را که که مصارف ورزشی دارد برای رانندگی در شهر خریداری کنند، گفته شده است که این کار آنها فرآیندی را ایجاد می‌کند که برای نسل‌های آینده زیان‌بار است، باز هم افرادی هستند که توجهی نمی‌کنند. در حقیقت، - همان گونه که گفتیم - پیامدهای دیگرگونی‌های آب و هوایی، خطرات انتزاعی در آینده نیستند، آنها همین حالا هم در پس‌روی کوه‌های یخ - ایجاد بیابان، جوامع ویران‌شده و محصولات نابود شده، مهاجرت گسترده و نزاع مدنی با فساد فریبنا، وارد آمده بر منابع آبی و زمین حاصلخیز آشکار هستند. با در نظر گرفتن چنین پرسش‌هایی، ما از رویکرد رایج رسانه‌ای پیرامون به جرم فاصله گرفته‌ایم و هنوز نیز مسائلی به طور گسترده ناپذیر، در خط مقدم بحث‌های جرم شناسانه قرار می‌گیرد. بنابراین، مطالعه نظام‌مند جرم نیازمند انعطاف قابل توجه روانی و ظرفیت خروج از تصورات رایج برای درک بهتر میزان موجود مسائل مربوطه است.